

هویت جنسیتی مادران و دختران، شکاف یا تفاوت؟

خدیدجه سفیری
سیده عقیده محمدی

چکیده

اختلاف نسلی از مباحث مهم جامعه ما می باشد. جامعه‌ای که دارای جمعیت جوان حجیم و تغییراتی پرشتاب است. بسیاری بر این عقیده‌اند که انتقال فرهنگ نسل قبل به نسل جدید با مشکلات جدی مواجه است و به علل مختلف، بسیار ناقص صورت گرفته، به طوری که نسل جدید تا حد زیادی پایبند ارزش‌ها و هنجارهای نسل پیشین خود نیست و شکاف عمیقی بین دو نسل ایجاد شده است. این مقاله به بررسی نگرش دو گروه مادران و دختران به هویت جنسیتی خود می پردازد. دیدگاه‌های نظری برای تبیین مسئله تلفیقی از دیدگاه‌های آنتونی گیلنر، پیربوردیو، کارل مانهایم و اینگلهارت بوده و از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه استفاده گردیده است. جامعه آماری کلیه دانشجویان دختر دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، دارای سن ۲۰ تا ۲۵ سال ساکن شهر تهران و مادرانشان را تشکیل می دهند. حجم نمونه ۳۴۴ نفر و شیوه نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده است. در تجزیه و تحلیل اطلاعات در سطح تبیین از آزمون کای اسکور و همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشانگر وجود تفاوت بین مادران و دختران به لحاظ نگرش به هویت جنسیتی خود می باشد، بدین ترتیب که مادران بیشتر نگرشی سنتی به هویت خود دارند و دختران نگرشی مدرن به هویت جنسیتی خویش دارند. در حوزه وظایف خانگی، دختران بیشتر برابری زن و مرد را مطرح نموده‌اند. مادران در پای بندی به کلیشه‌های فرهنگی قوی تر بودند. با بالا رفتن تحصیلات مادران، نگرش سنتی آنان کاهش می یافت و با تأهل دختران نگرش آنها بیشتر سنتی می شد.

کلید واژه‌ها: هویت جنسی، نگرش سنتی، نگرش مدرن، هویت.

طرح مسئله

جامعه ایران جامعه‌ای مابین سنت و مدرنیته است، به این معنی که ما به ارزش‌های سنتی خود شک کرده‌ایم و در عین حال هنوز در مقابل ارزش‌های جدید مقاومت به خرج می دهیم. در این میان جامعه را می توان به دو

گروه کلی تقسیم نمود: گروه اول که بدون چون و چرا و یا با تأمل کمتری ارزش‌های جدید را - که به واسطه اطلاع‌رسانی سریع و بدون مانع منتقل می‌شود می‌پذیرد و به پیروی از جهانی شدن، سعی در هر چه هماهنگ‌تر کردن خود با فرهنگ وارد شده از خارج دارد. طبیعتاً نسل جوان به دلیل داشتن روحیه نوآوری و نودوستی اکثراً در این گروه قرار دارد. گروه دوم، گروهی هستند که به دلیل اینکه خود در شکل‌گیری ارزش‌ها سهم و دخیل بوده‌اند و برای به دست آوردن آن سرمایه زیادی صرف کرده‌اند، با این نوآوری و تجدید به مقابله برمی‌خیزند و همواره سعی دارند تا فرهنگ خود را فرهنگ کامل و دارای کارکرد تمام برای کلیه امور اجتماعی معرفی کنند. اینان اکثراً در گروه میان‌سال قرار دارند. این تقابل میان دو نسل، سبب بروز بحران‌هایی در ارزش‌ها و بی‌نظمی در پذیرش هنجارها و ارزش‌های نهادهای مختلف جامعه می‌گردد. نسل جدید به دو دلیل به تغییرات علاقمند و در مقابل ارزش‌های جدید منعطف‌تر است، اولاً به سبب اقتضای سن، دارای طبیعتی نوخواه و در پی کسب هویت نو و استقلال شخصیت است؛ ثانیاً به دلیل قرار گرفتن در موقعیت حاشیه‌ای ساخت جامعه و گرفتار نبودن در دلهره منزلت، نسبت به دگرگونی رغبت بیشتر دارند. نکته قابل تأمل این است که آیا اولویت‌های ارزشی دو نسل فرزندان و والدین، بیش از حد معمول متفاوت شده است و فاصله زیادی بین آنان وجود دارد؟

در این باره دو رویکرد وجود دارد. عده‌ای معتقد به شکاف در حد معمول میان اولویت‌های ارزشی والدین و فرزندان هستند و آن را امری طبیعی، ضروری و حتمی و مداوم می‌دانند و معتقدند فرایند جذب و دفع همیشه وجود داشته و اصولاً یکی از ویژگی‌های فرهنگی است. در رویکرد دوم نسل جوان امروزه به شدت تحت تأثیر ارزش‌های غربی قرار گرفته و در نتیجه دچار مسخ فرهنگی و دوری از فرهنگ سنتی شده‌اند و در نتیجه به فاصله‌ای عمیق میان نسل پیشین که خود را پایبند به ارزش‌های فرهنگ سنتی می‌دانند و نسل جدید اشاره می‌نماید. گروه اول معتقد به پیوستگی و تفاضل‌گزینی هستند و بر این تأکید دارند که در ابعاد مهم زندگی پیوستگی بین نسل‌ها وجود دارد، ولی در ابعاد با کم‌اهمیت‌تر زندگی مثل عقاید سیاسی و تمایلات جنسی و عدم پیوستگی تفاضل وجود دارد.

در حال حاضر نسل‌های جدید جامعه ما، شیوه‌های جدیدی از نگرش به آموزش، کتاب‌خوانی، خانواده، ازدواج، مذهب و گرایش‌های سیاسی را تجربه می‌کند و در واقع نسل‌های جدید در حال تولید ارزش در این حوزه هستند. این تغییر فرهنگی یا تغییر نسل‌ها، منجر به شکل‌گیری شیوه‌های جدید انسجام فرهنگی شود. این

انسجام فرهنگی از طریق روابط ترکیبی شیوه‌های فرهنگی حفظ می‌شوند. روابط ترکیبی همانند پنجه دست است که در آن هر بندی استقلال و هویت مستقل از کف دست دارد و در عین حال با هم به گونه‌ای ترکیب دارند (عبداللهیان، ۱۳۸۲)

امروزه مسئله هویت و دگرگونی‌های آن در کانون توجه بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی قرار دارد. یکی از مهم‌ترین علت‌های این پدیده، تغییر پذیری بیشتر هویت‌های انسانی-اجتماعی در دنیای مدرن است، در حالی که در بخش مهمی از تاریخ بشر ارزش‌ها و هویت‌های انسانی-اجتماعی کمتر در معرض تغییر و دگرگونی بودند. بنابراین امروزه بسیاری از متفکران عوامل اجتماعی را در کنار عوامل فردی-روانی، به عنوان مهم‌ترین عوامل تغییر پذیری هویت انسانی مورد توجه و تأکید قرار می‌دهند. از آنجا که هویت را می‌توان تعریف از خود دانست که این تعریف از خود، از طرفی خود محصول زندگی اجتماعی و از سوی دیگر یک عامل مؤثر بر زندگی اجتماعی افراد است، لذا بررسی تعریف افراد از هویت اجتماعی خود و شیوه نگرش به آن از عوامل مؤثر در رفتار آنان می‌باشد. بسیاری هویت جنسیتی را زیر مجموعه هویت اجتماعی می‌دانند. با توجه به این که هویت جنسیتی از حوزه‌های بسیار تفکیک شده از نظر جنسی و نقش‌های جنسیتی می‌باشد، پابندی به کلیشه‌های جنسیتی و یا مقاومت در برابر آنان می‌تواند متأثر از هویت اجتماعی باشد که فرد برای خود تعریف کرده است.

افراد باورهای اساسی خود را در باره مسائل مختلف اجتماعی از خانواده می‌گیرند و سپس وارد جامعه می‌شوند و در معرض باز اجتماعی شدن قرار می‌گیرند. این که مادران و دختران چگونه هویت جنسیتی خود را تعریف می‌کنند و آیا برای خود هویت اجتماعی مستقل قائلند و معتقد به باز تعریف هویت خود در اجتماع هستند و یا این که خود را صرفاً در چارچوب خانواده و در عرصه خصوصی و نقش‌هایی را که به طور سنتی برایشان تعریف شده، می‌بینند؟ این تحقیق بررسی می‌کند که آیا مادران همچنان به ارزش‌های سنتی پیشین معتقدند و آن را چون امانتی در اختیار دختران خود گذاشته‌اند و یا این که خود نیز در ارزش‌ها و باورهای خود تردید نموده‌اند و ارزش‌های جدید را برگزیده‌اند؟ و آیا مادران و دختران در یک دنیا اما با ارزش‌های متفاوت سنتی و مدرن تعریف شده زندگی می‌کنند، یکی قائل به هویت سنتی است و دیگری برای خود هویتی مدرن برگزیده است؟

مروری بر مطالعات مربوط

در زمینه تفاوت‌های نسلی، تحقیقات متعددی صورت گرفته است. من جمله تحقیق مهناز توکلی در زمینه تفاوت ارزش‌های مادی و معنوی و مذهبی مادران و دختران که محقق کوشیده تا شکاف بین دو نسل را روشن نماید. این تحقیق بر روی ۲۰۳ نفر دانش‌آموز کلاس دوم متوسطه و مادران آنها در منطقه ۵ تهران در سال ۱۳۸۰ انجام شده است. وی از رایج‌ترین مقیاس‌های سنجش ارزش‌ها مانند مقیاس روکیچ و آلپورت و اینکلهارت و نیز طبقه‌بندی ارزش‌ها بر اساس دایرةالمعارف علوم اجتماعی، برای سنجش گروهی از ارزش‌ها استفاده کرده است. در ارتباط با ارزش‌های مادی و معنوی مقولاتی چون ثروت، زندگی مرفه و امنیت ملی، مقولات مذهب و اخلاق و تعهد ملی و عملی ارزش‌های معنوی، وی میان دو مقوله ثروت و زندگی مرفه تمایز قائل شده، همچنین بر اساس طبقه‌بندی ماسلو، ارزش‌های جسمانی و امنیتی را جزء نیازهای اولیه و در زمره نیازهای مادی محسوب می‌کند.

نتایج به‌دست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که شکاف میان ارزش‌های مادران و دختران وجود دارد. تفاوت ارزش‌ها بین دو نسل بیشتر در سطح ارزش‌های معنوی است و گرایش والدین به ارزش‌های مذهبی بیش از فرزندان و قابل توجه است. در ارزش‌های مادی نیز گرایش والدین به ثروت بیش از فرزندان است، در حالی که فرزندان به زندگی مرفه بیش از والدین اهمیت می‌دهند.

پایان‌نامه‌ای در زمینه تفاوت‌های نسلی با عنوان «بررسی و مقایسه نگرش مادران و دختران نسبت به ارزش‌های اجتماعی» توسط شیرین جلیوند از دانشگاه آزاد اسلامی (۱۳۷۳) صورت گرفته است. در این پایان‌نامه منظور از ارزش‌های اجتماعی، ارزش‌هایی مثل حجاب، تحصیل، اشتغال زن، رابطه دوستی بین دختر و پسر نامحرم بوده است و هدف کلی مقایسه نگرش دختران و مادران به ارزش‌های مذکور و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تفاوت موجود بوده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری میان ارزش‌های مادران و دختران وجود ندارد. نتایج حاکی از نگرش منفی نسبت به حجاب در دختران و مادران و نیز نگرش مثبت دختران به رابطه دوستی با پسران و استفاده از ماهواره و وسایل ارتباط جمعی غیررسمی می‌باشد. شرایط خانوادگی و عدم رضایت از خانواده سهم مهمی در ایجاد نگرش منفی دختران به حجاب و نگرش مثبت آنها به دوستی دختر و پسر داشته است.

بررسی دیگر، «مقایسه اولویت‌های ارزشی جوانان (۱۶-۲۴ ساله‌ها) و میانسال‌ها (۴۵-۵۴ ساله‌ها) است که نویسنده (دکتر محمد پناهی) بر اساس داده‌های ثانویه دکتر محسنی در سال ۱۳۷۴ انجام داده است. این بررسی نشان می‌دهد که در ارزش پول و ثروت به عنوان ارزش مادی، فرق چندانی بین دونسل دیده نمی‌شود، ولی نسل جدید به طور معنی‌داری بیش از نسل قبل به مقام اهمیت می‌دهد. در مورد ارزش‌های فرامادی درستکاری و آبرو و علم، نسل گذشته بیشتر از نسل جدید آنها را مهم تلقی می‌کند، هرچند که در هر سه مورد، اکثریت نسل جدید و گذشته با هم همسو هستند. به نظر نمی‌رسد که این حد از اختلاف را که حداکثر آن به ۵ درصد می‌رسد، بتوان شکاف نسلی مهمی در اولویت‌های ارزشی بین دو نسل دانست. همچنین به نظر می‌رسد برای هر دو نسل، ارزش‌های فرامادی اهمیت بیشتری از ارزش‌های مادی داشته است (پناهی، ۱۳۸۰)

کتابی با عنوان *جامعه‌شناسی نسلی* توسط دکتر آزاد ارمکی و دکتر غلامرضا غفاری با همین موضوع نگاشته شده که در آن مبنای نسلی تجربه تاریخی می‌باشد که افراد به پنج دسته بدون خاطره جنگ تا نسل قبل از انقلاب تقسیم‌بندی شده‌اند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که تفاوت‌ها به گونه‌ای نیست که بتوان از آن به انقطاع نسلی رسید. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اهمیت خانواده، ملیت ایرانی، نحوه گذران اوقات فراغت، تأکید بر ارزش‌های تلفیقی، مالکیت خصوصی و... توافق کلی بین نسلی جود دارد. از طرفی نیز تفاوت‌هایی در حوزه‌های ارزشی، فردگرایی، مشارکت، دین‌گرایی، گروه‌های مرجع و نوگرایی وجود دارد.

مبانی نظری

بسیاری از جامعه‌شناسان در دهه اخیر از تحول نسلی به منزله عنصر اصلی تحول اجتماعی فرهنگی در نقد دیدگاه‌های اقتصادی و جبرگرایانه استفاده نموده‌اند. در دهه هشتاد مباحث نسل‌ها به طور جدی توجه متفکران علوم اجتماعی را به خود جلب نموده است. در بین دیدگاه‌ها از متفکران بزرگی چون مانهایم، گیدنز، بوردیو، اورنگا، اینگلهارت و وایت می‌توان نام برد که ما در اینجا به دلیل محدودیت امکانات، از نظرات گیدنز، بوردیو، مانهایم و اینگلهارت استفاده خواهیم کرد.

آنتونی گیدنز

گیدنز نسل‌ها را همچون هم‌دوره‌ای‌های اجتماعی که در طول زمان ترسیم شده‌اند، در نظر می‌گیرد. هدف او فهمیدن این نکته است که چگونه حافظه نسل‌ها در فرایند نهادی شدن از طریق مراسم و روایت‌های جمعی ساخته می‌شود. به نظر او تمایزات حافظه از طریق مراسم و روایت‌های جمعی ساخته می‌شود. از نظر گیدنز بین نسلی به واسطه ارجاع به زمان تعریف می‌شود. به نظر گیدنز اختلاف نسل‌ها در واقع نوعی به حساب آوردن زمان در جامعه ماقبل مدرن است. هر نسلی در واقع نوعی به حساب آوردن تیره‌ای از آدمیان است که زندگی فردی را در مقطعی از انتقال‌های گروهی جای می‌دهد. در جوامع سنتی، دوره زندگی علاوه بر معنای صریح خود دلالت‌های تکوینی دیگری دارد که به خصوص مفهوم از نو شروع کردن از آنها استنباط می‌شود؛ زیرا هر نسل به میزان قابل ملاحظه‌ای شیوه زندگی پیشینیان خود را از نو کشف می‌کند و از نو مورد عمل قرار می‌دهد (گیدنز، ۱۳۷۹). گیدنز در اینجا علاوه بر عنصر زمان، به «فرار» بودن جامعه به عنوان ویژگی جوامع متجدد و نیز نوعی مرخص شدن از گذشته است. نکته قابل توجه در اندیشه گیدنز در این ایده است که نسل جدید به لحاظ اخلاقی نسبت به نسل قبلی دچار مشکل می‌باشد. او در پاسخ این پرسش که آیا شاهد ظهور یک نسل، «من» خواهیم بود که ارزش‌های مشترک و علائق عمومی را نابود می‌کنند و در آنها فردگرایی مفرط و شدید وجود خواهد داشت، عنوان می‌کند که نسل من توصیف گمراه‌کننده‌ای از فردگرایی جدید است که نشانه‌ای از یک فرایند فساد اخلاقی به دست نمی‌دهد. در واقع، برعکس، بررسی‌ها نشان می‌دهند که نسل‌های جوان امروز، نسبت به نسل‌های پیش به مسائل اخلاقی بسیار بیشتری حساس هستند، اما آنها این ارزش‌ها را به سنت‌ها ربط نمی‌دهند، یا شکل‌های سنتی اقتدار را به مثابه عامل تعیین‌کننده هنجارهای شیوه زندگی نمی‌پذیرند. برخی از این گونه ارزش‌های اخلاقی در مفهوم اینگلهارت به روشنی فرامادی هستند... به جای اینکه به خودمان به عنوان یک عصر انحطاط اخلاقی بنگریم، منطقی است که آن را به شیوه‌ای فعال‌تر از آنچه در نسل‌های پیشین درست بود، بسازیم و باید برای پیامدهای آنچه انجام می‌دهیم و عادت‌های شیوه زندگی که برگزیده‌ایم، فعالانه‌تر مسئولیت بپذیریم (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳-۴۲).

پیرودیو

با مراجعه به جامعه‌شناسی فرهنگ بوردیو و به طور خاص با توجه به نقطه نظر او در مورد «شیوه زندگی»^۱ می‌توان نسل را فهم نمود، زیرا افرادی که هم‌دوره‌ای‌اند و در زمان حال زندگی کرده و یک شیوه زندگی در فرهنگ مشترک دارند، کارکردی که برای آنها با حافظه جمعی که ترکیب هم‌دوره‌ای‌ها را در طول یک دوره خاص تعیین می‌کند، تعریف‌کننده نسل واحد می‌باشد. در این تعریف توجه خاصی به ایده فرهنگ جمعی و مشترک شده، احساسات، رجحان‌ها و خلق و خو و مجموعه‌ای از اعمال از قبیل ورزش و فعالیت‌های تفریحی حافظه جمعی و خلق فرهنگی یا سنت نسلی را تعیین می‌کنند که با مدیریت منابع نسلی در طول زمان و فضا ملاحظه می‌شود. افزون بر مشارکت در فرهنگ جمعی مشترک، نسل ممکن است همچون هم‌دوره‌ای دیده شود که دستیابی استراتژیک به منابع از طریق مراسم به‌دست می‌آید.

اگرچه نسل‌ها مثل طبقات محوری استراتژیک را تجربه می‌کنند؛ زیرا افراد در نسل‌ها ممکن است به‌طوری نمونه‌ای خودشان را از طریق ازدواج و خلق خانواده باز تولید کنند، اما همواره اخلاق مبادله از طریق توجه به عدالت برای مبادلات بین نسلی پیدا می‌شود. به‌طور طبیعی از طریق الگوهای ارزشی، این معنی از روابط بین نسلی ایده اقتصادی-سیاسی نسل‌ها را می‌سازد. همچنان که مطالعه ایونز (۱۹۹۵) در مورد تقابل بین پدران و پسران معرفی‌کننده اقتصاد اخلاقی و مشکل نسل‌ها است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۲: ۳۳)

کارل مانهایم

مانهایم در ۱۹۲۵ مقاله‌ای تحت عنوان «مشکل نسل‌ها» نوشت که بحث نسل‌ها را به‌طور جدی شروع نمود. نوشته‌های مانهایم کارهای جامعه‌شناسی را در بحث از نسل تحت تأثیر قرار داد. عدم تمیز مابین معانی متعدد از نسل از قبیل نسل به معنای تبارشناسی و نسل به معنی هم‌دوره‌ای، زمینه‌ساز اختلاط معانی از نسل در میان اسلاف او شده است. مانهایم معتقد است که پدیده جامعه‌شناختی نسل در نهایت بر اساس ریتم زیست‌شناختی تولد و مرگ است (اسچومن و تسکات، ۱۹۸۹، به نقل از آزاد ارمکی، ۱۳۸۲)

مانهایم از برخورد تازه^۱ در اثر شکل‌گیری نیروی جدید در گذر زمان که به بازبینی فرهنگی می‌پردازد، یاد می‌کند. با وجود آن که او این حرکت‌ها و برخوردها را که به صورت موج نشان داده می‌شود، با نسل‌ها معین می‌کند، ولی افرادی را که در درون نسل‌ها موجودند و دارای دیدگاه مشترک بر اساس تجربیات مشترک هستند، از افرادی که این وضعیت را ندارند، متمایز کرده و از آنها به عنوان واحد نسلی^۲ یاد می‌کند.

به‌طور خاص مانهایم مفهوم نسل را برای مطالعه رشد تفکر محافظه‌کاری در جوامع مدرن به کار برده است. در نقد نظریه طبقاتی مارکس، افرادی چون مانهایم از تقابل سنی، تحرک نسلی و ایدئولوژی نسلی یاد کرده‌اند. نسل‌ها مانند طبقات اجتماعی در جامعه‌شناسی وبری بررسی خوشه‌ای اجتماعی استراتژی کنترل کردن منافع به‌واسطه تعیین عضویت در ارجاع به بعضی از اصول از قبیل رنگ و جنس است (ترنر، ۱۹۹۵؛ به نقل از آزاد ارمکی، ۱۳۸۲). از نظر مانهایم یکی از راه‌های مهم تعیین تفاوت‌های مهم اجتماعی و نسل، می‌تواند توجه به مشکل زمان و دوره باشد. در جامعه‌شناسی نسل‌ها ضروری است، بین همزیستی‌ها (آنهايي که در زمان هم زندگی می‌کنند) و هم‌زمانی (آنهايي که هم‌سن هستند) تمایز قائل شد. بنابراین زمان، هویت زمانی و محافظه جمعی از نظر مدعیان اندیشه نسلی به عنوان امور مرکزی جامعه‌شناسی مرتبط با طبقه است. نسل درگیر سازمان‌حافظه جمعی است. مرکزی‌ترین عنصر بحث او واحد نسلی است که به معنای گروه سنی-زیستی در نظر گرفته شده و دارای چندین ویژگی است:

۱. دارای محل مشترک در جریان اجتماعی و تاریخی است. این موقعیت تعیین‌کننده حوزه کسب تجربه ممکن با توجه به شرایط است.

۲. سرنوشت و علقه مشترک بر اساس طبقه‌بندی اقتصادی اجتماعی دارند.

۳. دارای هویت واحد بر اساس تجربه مشترک هستند.

از نظر مانهایم، واحد نسلی، بیشتر از یک گروه سنی زیستی و هر یک از همدوره‌های سنی است. «واحد» نسلی همچون جمع شدن افراد به لحاظ سنی مشابه نیست، بلکه واحد اجتماعی پیوند با یکدیگر از طریق موقعیت ساختاری مشترک، سیستم ظرفیتی مشترک، خودآگاهی همچون یک واحد اجرایی و کنش متقابل اجتماعی و انسجام در میان اعضا است. لاور عنوان می‌کند که مانهایم مدعی بود دگرگونی سریع در تشدید اختلاف میان

1. fresh contact

2. generation unit

نسل‌ها، اهمیت ویژه‌ای دارد. از سوی دیگر فلکز گفته است که پیدایش ستیزه‌ها بین نسل‌ها و خیزش توده جوانان متمایز، نشان‌دهنده این است که مرحله به خصوصی از پیشرفت اجتماعی در حال پایان یافتن و مرحله جدیدی در حال تکوین است. هر دوی اینها صحیح هستند؛ دگرگونی به تشدید ستیزه بین نسل‌ها گرایش دارد و ستیزه بین نسل‌ها به دگرگونی می‌انجامد (لاور، ۱۳۷۳: ۱۹۰).

رونالد اینگلهارت

در دهه هشتاد اینگلهارت این ایده را مطرح می‌کند که در جوامع صنعتی مواجه با نوعی دگرگونی ارزشی هستیم. گرایش نسبت به ارزش‌های فرامادی تقویت گردیده و نسل جدید به ارزش‌های فرامادی اولویت بیشتری می‌دهد. در تبیین این دگرگونی ارزشی و نسلی، به طراحی دو فرضیه پیش‌بینی کننده می‌پردازد که عبارتند از:

۱. فرضیه کمیابی که بنابر آن اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی-اقتصادی اوست.
 ۲. فرضیه اجتماعی شدن که اصل را بر این قرار می‌دهد که ارزش‌های اساسی فرد به شکل گسترده، منعکس کننده شرایطی است که طی سالهای قبل از بلوغش فراهم شده است.
- به نظر اینگلهارت فرضیه کمیابی به دگرگونی کوتاه‌مدت با آثار دوره‌ای اشاره دارد. دوره‌های پر رونق به افزایش فرامادی گرایی و دوره‌های کمیابی به مادی گرایی می‌انجامد. فرضیه اجتماعی شدن دلالت بر وجود آثار بلندمدت نسلی دارد (اینگلهارت و آبرامسون، ۱۳۷۸: ۶۲). به نظر اینگلهارت یکی از مؤلفه‌های مهم دگرگونی ارزشی جایگزینی نسلی است. اینگلهارت برای چرخه زندگی تأثیر چندانی قائل نیست و تفاوت‌های پایدار بین گروه‌های سنی را بازتاب دگرگونی نسلی می‌داند. او نظریه دگرگونی ارزشی را که دلالت بر جابجایی اولویت‌های مادی به سمت اولویت‌های غیرمادی دارد، به توسعه اقتصادی جوامع ارتباط می‌دهد، تا جایی که برای تأثیر نهادهای فرهنگی در این دگرگونی چندان وزنی قایل نیست. جوانان به مراتب بیشتر از بزرگسالان بر خواسته‌های فرامادی تأکید دارند و تحلیل دگرگونی سنی مبین این است که این موضوع به مراتب بیشتری بازتاب دگرگونی نسل‌ها تا انعکاس سالخوردگی است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۱۵). اینگلهارت دگرگونی حاصل شده در جامعه بر مبنای تحولات اقتصادی و اجتماعی را در قالب دگرگونی فرهنگی در چارچوب

سمت گیری های ارزشی که منجر به تفاوت های نسلی می شود، تعریف می نماید، در نتیجه دگرگونی های فرهنگی مهم به تفاوت در میان نسل ها می انجامد.

تعریف مفاهیم

در بحث تفاوت های بین دو نسل، واژگان و اصطلاحات بسیار زیادی با مقاصد مختلف و به مناسبات متنوعی به کار برده شده است. این واژگان به لحاظ مفهومی شباهت های بسیاری به همدیگر دارند، به همین جهت گاه به غلط به جای یکدیگر به کار می روند. ما در اینجا سعی کرده ایم تا با ارائه تعریفی از اصطلاحاتی که از نظر ظاهری به هم شبیه به نظر می رسند و در بسیاری از تحقیقات به جای یکدیگر به کار برده می شود و در عین حال تفاوت مفهومی بسیاری با یکدیگر دارند، پیردازیم.

تعارض نسلی

وقتی منابع هویتی نسلی تقویت کننده یکدیگر نباشد و پیوستگی نسلی را به دنبال نداشته باشد، زمینه برای ظهور و بروز تعارض نسلی فراهم می گردد. به گونه ای که اعضای جامعه وضعیت هویت خود را در نفی تعارض با گذشتگان خود می بیند. تعارض میان نسل ها زمانی به وجود می آید که تحولاتی رونمایی در جامعه ایجاد گردد. منظور از تحولات رونمایی، تحول اجتماعی سیاسی در مقابل تحولات فکری و اندیشه ای است. تعارض نسل ها در مظاهر فرهنگی و سلوک اجتماعی میان قشرهای مختلف جامعه، به ویژه میان نسل جدید و قدیم رخ می دهد (قادی، ۱۳۸۲).

شکاف نسلی

شکاف نسلی به معنی وجود تفاوت های دانشی، گرایشی و رفتاری مابین دو نسل با وجود پیوستگی های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. فرزندان در مقایسه با افراد پیر و میان سال با وجود این که در یک فضای فرهنگی زندگی می کنند، اطلاعات، گرایش ها و رفتارهای متفاوت دارند. آنچه که در اینجا حائز اهمیت و لازم به ذکر است، این است که شکاف نسلی با کشمکش تفاوت دارد؛ زیرا در مورد شکاف نسلی، واحدهای نسلی به رغم تجربیات متفاوت، در کلیت فرهنگی اجتماعی به تعامل می پردازند. در صورتی که کشمکش نسلی به موقعیتی اطلاق می شود که بین دو موقعیت متفاوت نسلی به جای تعامل، تعارض

بروز می‌کند. شکاف نسلی در پی فاصله نسلی ایجاد شده در دوره بحران تحقق می‌گیرد و عمدتاً پیامد ظهور نظام ارزشی وهنجارهایی نوین با شکل‌گیری گروه‌های سنی جوان جامعه با مظاهر جدید فرهنگی اعم از مادی و غیرمادی است (شیخی، ۱۳۷۹)

انقطاع نسلی

مفهوم گسست نسلی با مفهوم هویت گروهی و نسلی پیوند و ارتباط دارد، به گونه‌ای که تغییر حاصل شده بر مبنای هویت جمعی که به نوعی فراتر از مقوله سن می‌روند، مورد توجه قرار می‌گیرند. به تعبیری در عرصه گسست فرهنگی، فاصله‌های سنی و سالی از بین می‌رود. گسست نسلی ما را در متن تحولات فرهنگی که وجود آن برای پویایی جامعه در عرصه مختلف حیاتی است، قرار نمی‌دهد، بلکه ما را به حاشیه هدایت می‌کند، حاشیه‌ای که بسیار هزینه‌بر و مناقشه برافکن است، به گونه‌ای که زمینه را برای فروپاشی اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌نماید.

گسست نسلی

مفهوم گسست نسلی ارتباط نزدیکی با مفاهیم تعارض نسلی و انقطاع نسلی دارد. به اعتقاد برگستن (۱۹۷۰) سه دیدگاه عمده در زمینه گسستگی نسلی وجود دارد:

۱. کسانی که معتقد به شکاف عمیق نسلی هستند؛
 ۲. کسانی که وجود شکاف عمیق نسلی را یک توهم و خیال می‌دانند که به غلط توسط وسایل ارتباط جمعی به مردم تحمیل شده است؛
 ۳. کسانی که معتقد به پیوستگی و تفاضل‌گزینی بین نسل‌ها هستند (تیموری، ۱۳۸۰).
- طرفداران دیدگاه اول فرهنگ جوانان را مختلف و حتی متضاد با فرهنگ مسلط بزرگسالان می‌دانند. طرفداران دیدگاه دوم تاکید دارند که تضاد نسل‌ها مربوط به تضاد در ارزش‌ها نیست، ارزش‌های دو نسل به صورت یکسان و مشابه مورد قبول قرار می‌گیرد و تضاد، ناشی از ابزارهای به کار گرفته شده برای تحقق دادن به ارزش‌های مورد قبول است و در نهایت طرفداران دیدگاه سوم معتقدند که تضاد اندکی بین نسل‌ها در مورد ارزش‌ها وجود دارد.

باتوجه به اینکه نوع تفاوت نسلی مورد بحث در این نوشتار پیرامون نگرش مادران و دختران به هویت جنسیتی خود می باشد، در اینجا به تعریف این متغیر می پردازیم.

هویت^۱ جنسیتی

گونه ای درک از احساسات جنسی خود که بر اساس نظریه فمینیستی فرهنگ بیش از بیولوژی هویت جنسی را تعیین می کند. برای نمونه این هویت صرفاً تصویری عمومی از اهداف و مقاصد جنسی را که با شخصیت انسان یکی شده، بازنمایی می کند. آن فرگوسن شرحی روشن از معانی گوناگون این اصطلاح ارائه می دهد. به نظر او هویت های ما در گروهی دو شرط قرار دارد: نخست به شخصی که هویت جنسی اش شکل آگاهانه اتخاذ نکرده، نمی توان گفت دارای هویت جنسی است، برای نمونه اتخاذ هویت همجنس بازی. دوم آن که هویت جنسی در فرهنگی که شخص در آن زندگی می کند، مفهوم پیدا می کند. برای نمونه هیچ کس نمی تواند هویت سیاه داشته باشد، مگر آن که هویت سیاه در فرهنگ تعریف شده باشد (فرگوسن، ۱۹۸۲).

هویت تصویری است که ما از خودمان و روابطمان با جهان بیرون داریم. گرچه ممکن است که این تصور از خودمان با تصور دیگران از ما کاملاً تفاوت داشته باشد. اما این که چه تصویری از خودمان داشته باشیم، بستگی دارد به تصویری که ما از جنسیت خود داریم. یعنی هویت ما را هویت جنسیتی ما تشکیل می دهد (مایکل کمیل، ۱۹۹۷).

نگرش^۲

به آمادگی روانی و فکری افراد گفته می شود که بر اساس یک تجربه سازمان یافته شکل می گیرد و پاسخ فرد را به موقعیت های مختلف شکل داده و رفتارش را هدایت می کند. شناخت، احساس و آمادگی برای انجام عمل، سه جزئی هستند که نگرش را تشکیل می دهند، به این معنی که افراد با دسته بندی اشیاء به شناخت دست می یابند و این جزء شناختی می تواند به شخص احساس خوشایند و یا ناخوشایندی بدهد و در نهایت این دو

1. identity

2. attitude

جزء شناخت و احساس با هم می‌توانند فرد را به انجام عمل خاصی سوق دهند یا از آن باز دارند (اریکسون، ۱۳۸۲).

در ارتباط با تعریف متغیر مورد نظر، همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد، نگرش نسبت به هر چیزی سه بعد عقاید و باورها، عمل و احساس را شامل می‌شود به عبارتی اینکه فرد در مرحله اول چه اعتقادی نسبت به پدیده معین دارد، برای ما از اهمیت برخوردار است. ثانیاً این که آیا در عمل بر اساس اعتقاد خود عمل می‌کند و یا این که چگونه این اعتقاد را جامه عمل می‌پوشاند، در درجه دوم اهمیت قرار دارد و در نهایت در مرحله سوم چه احساسی نسبت به پدیده مورد نظر حین ارتکاب به آن دارد، آیا برای فرد از نظر احساسی خوشایند است یا خیر؟

روش تحقیق و ابزار گرد آوری داده‌ها روش جمع آوری داده‌ها

روش مورد استفاده در این تحقیق، روش پیمایش^۱ می‌باشد. در تحقیق حاضر از تکنیک پرسشنامه استفاده کرده‌ایم. پرسشنامه به کار گرفته شده در مجموع دارای ۴۰ سؤال می‌باشد که ۳۶ سؤال به شیوه سؤالات بسته طراحی شده‌اند همچنین از ۴ سؤال باز استفاده شده است.

برای جمع آوری داده‌های مورد نظر، بدین ترتیب عمل شد که پس از یافتن فرد مورد نظر (دانشجوی دختر با شرایط ذکر شده)، پرسشنامه‌ای به وی تحویل داده شده و در حضور پرسشگر این پرسشنامه تکمیل شده و سپس پرسشنامه‌ای دیگر به وی تحویل داده شده تا مادر آن فرد پاسخ دهد، سپس در تاریخ معینی از آن فرد باز پرس گرفته شده است.

جمعیت آماری

جامعه آماری ما در این پژوهش کلیه دانشجویان دختر دارای سن ۲۵-۲۰ سال، دانشگاه‌های دولتی تهران، ساکن در شهر تهران و مادران ایشان است.

حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

برای تعیین حجم نمونه در این تحقیق از فرمول کوکران استفاده شده است، متأسفانه با توزیع ۳۷۰ عدد پرسشنامه، فقط ۲۷۶ پرسشنامه بازگشت.

در این تحقیق به دلیل مشخص بودن چارچوب جامعه آماری (محدود بودن تعداد دانشگاه‌های تهران) و همچنین به دلیل محدودیت امکانات پژوهش از نمونه‌گیری احتمالی از نوع نمونه‌گیری «خوشه‌ای» استفاده نموده‌ایم، به این ترتیب که نمونه‌ها از میان دانشگاه‌های دولتی تهران، دانشگاه تهران، علامه طباطبایی، شهید بهشتی، علوم پزشکی ایران، امیرکبیر و الزهرا انتخاب شده و سپس در داخل دانشگاه‌ها به صورت تصادفی ساده انجام شد.

تکنیک‌های مورد استفاده در تجزیه و تحلیل داده‌ها

در تجزیه و تحلیل ضمن توصیف مؤلفه‌های هویت جنسیتی، برای بررسی تفاوت دو گروه مادران و دختران، از آزمون کای اسکوئر مقایسه میانگین‌ها و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

روایی یا اعتبار^۱ و پایایی یا اعتماد^۲

در اینجا ما پرسشنامه اولیه را طراحی کرده و به پنج تن از استادان رشته جامعه‌شناسی و متخصص در مسائل اجتماعی زنان و خانواده جهت تعیین اعتبار نشان دادیم و مواردی را اصلاح نمودیم. پایایی یا اعتماد: در این تحقیق پس از طرح پرسشنامه، در یک نمونه کوچک با حجم کم (۳۰ نفر)، پرسشنامه‌ها تکمیل شد تا پایایی یا اعتماد سازه‌های طرح شده سنجیده شود. ضرایب آلفای کرونباخ هر یک از مؤلفه‌های مورد سنجش در بخش تحلیل آورده شده است.

تعریف عملیاتی هویت جنسیتی

در این تحقیق نگرش به هویت جنسیتی فقط از لحاظ عقاید و باورها سنجیده شده است. همچنین هویت را در سه سطح اجتماع، خانواده، فرد مورد بررسی قرار دادیم. در سطح خانواده مؤلفه‌ها عبارت است از عقاید و

1. validity

2. reliability

باورها در ارتباط با وظایف و موقعیت زنان در خانواده، انتظارات و توقعات از زن در خانواده و میزان برآورد آنها، پذیرش و یا مقاومت در برابر کلیشه‌های فرهنگی و... در سطح اجتماعی به دنبال بررسی عقاید و باورهای آنان در ارتباط با حضور اجتماعیشان، اشتغال، تحصیلات و اوقات فراغت و... هستیم و در سطح فردی نیز به بررسی تعریف فرد از خود به عنوان یک زن و همین‌طور تصویری را که از ویژگی‌های مطلوب زنان در جامعه ایران دارد، مورد تحلیل و بررسی قرار خواهیم داد.

شیوه محاسبه نگرش به هویت جنسیتی

نگرش به هویت جنسیتی از تلفیق ۴۸ گویه که در این ارتباط طرح شده بودند، به دست آمده است. پس از جمع کردن امتیازات به دست آمده از پاسخ‌های افراد، طیفی تشکیل شد که نمره از ۴۸ تا ۲۴۰ را شامل می‌شد. این طیف به ۵ قسمت تقسیم می‌شد. بدین ترتیب افرادی که نمره ۴۸ تا ۸۶ را کسب نموده‌اند، نگرش کاملاً سستی و افرادی که نمره ۸۷ تا ۱۲۴ را گرفته‌اند نگرش سستی و آنانی که بین ۱۲۵ تا ۱۶۳ نگرشی بینابینی و افرادی که بین ۱۶۴ تا ۲۰۱ بوده‌اند، نگرش مدرن و آنهایی که نمره‌شان بین ۲۰۲ تا ۲۴۰ می‌باشد، دارای نگرشی کاملاً مدرن به شمار آمده‌اند.

یافته‌های تحقیق

الف- بررسی تفاوت میان عقاید و باورهای مادران و دختران در حوزه‌های اجتماعی

برای سنجش اختلاف عقاید و باورهای مادران و دختران در سطح اجتماعی به عبارتی برای سنجش عقاید و باورهای زنان برای حضور در اجتماع که یکی از مشخصه‌های هویت جنسیتی در این تحقیق می‌باشد، تعداد ۱۹ گویه با موضوعاتی چون اشتغال، مشارکت اجتماعی، اوقات فراغت، تحصیلات طراحی شده است که میزان آلفای کرونباخ محاسبه شده برای اینان ۰/۸۳ می‌باشد.

جدول شماره ۱ - تفاوت نگرش پاسخگویان نسبت به اشتغال زنان

t	سطح معنی داری	مخالف	بی نظر	موافق	نسل	گویه‌ها
-۳,۰۰۵	۰,۰۰۱	۲۰	۸,۶	۷۱,۴	دختران	اشتغال زنان در صورتی که به وظایف خانه‌داری آنها لطمه نزنند مناسب است
		۱۰,۳	۱,۵	۸۸,۲	مادران	
		۱۵,۲	۵,۱	۷۹,۷	کل	
-۱,۷۶۲	۰,۰۵۸	۵۸,۶	۱۵,۷	۲۵,۷	دختران	مردان در کارهای مدیریتی موفق‌تر از زنان هستند
		۴۶	۱۴	۴۰	مادران	
		۵۴,۳	۱۴,۹	۳۰,۸	کل	
-۱,۷۳۱	۰,۰۴۲	۲۸,۶	۱۳,۶	۵۷,۹	دختران	کارهایی مثل پرستاری و معلمی و پزشکی برای زنان مناسب است
		۱۱,۸	۱۱,۸	۷۶,۵	مادران	
		۱۵,۲	۱۲,۷	۷۲,۱	کل	
-۱,۳۶۳	-	۲۴,۳	۱۱,۲	۶۴,۳	دختران	اصولاً در اجتماع کارهایی وجود دارد که از عهده زنان خارج است
		۱۹,۱	۸,۱۱	۷۲,۸	مادران	
		۲۱,۷	۹,۸	۶۸,۵	کل	
-۰,۸۹۶	-	۴۵	۱۷,۹	۳۷,۱	دختران	اگر زنی تشخیص دهد که کار او در بیرون خانه مورد توافق شوهر نیست، باید کارش را ترک کند
		۵۱,۵	۱۴,۷	۳۳,۸	مادران	
		۳۵,۵	۱۶,۳	۴۸,۲	کل	
-۱,۵۷۹	-	۷,۹	۱۵	۷۷,۱	دختران	داشتن درآمد مستقل برای زنان به استقلال فکری و بهتر شدن وضعیتشان کمک می‌کند
		۵,۹	۸,۱۱	۸۶	مادران	
		۶,۹	۱۱,۶	۸۱,۵	کل	
-۴,۱۲۷	۰,۰۰۰	۶۶,۴	۱۴,۳	۱۹,۳	دختران	زنان باید از حضور در محیط‌های مردانه اجتناب کنند
		۴۴,۱	۱۶,۲	۳۹,۷	مادران	
		۵۵,۴	۱۵,۲	۲۹,۳	کل	
-۳,۵۱۱	۰,۰۰۲	۴۰,۷	۱۵,۷	۴۳,۶	دختران	سعادت و خوشبختی زن در داشتن یک کانون گرم خانوادگی بیشتر تأمین می‌شود تا با موفقیت در عرصه‌های اجتماعی
		۲۴,۳	۱۱	۶۴,۷	مادران	
		۳۲,۶	۱۳,۴	۵۴	کل	

اشتغال زنان از مؤلفه‌هایی است که در حوزه اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این باره می‌توان گفت که تفاوت‌هایی بین دو گروه در ارتباط با هر یک از این گویه‌ها دیده می‌شود، به‌طور مثال مادران موافقت بیشتری با گویه‌هایی نظیر اشتغال زنان در صورتی که به وظایف خانه‌داری آنها لطمه نزنند، مناسب است؛ کارهایی مثل پرستاری و معلمی و پرستاری برای زنان مناسب است؛ سعادت و خوشبختی زن در داشتن یک کانون گرم خانوادگی بیشتر تأمین می‌شود تا با موفقیت در عرصه‌های اجتماعی؛ حضور در محیط‌های مردانه، اعلام کرده‌اند، با این حال تفاوت معناداری بین عقاید و باورهای مادران و دختران در بیشتر گویه‌ها دیده می‌شود.

جدول شماره ۲- تفاوت نگرش پاسخگویان نسبت به مشارکت اجتماعی زنان

گویه‌ها	نسل‌ها	موافق	تا اندازه‌ای موافق	مخالف	سطح معنی‌داری	کای اسکوئر
زنان همانند مردان باید در کلیه فعالیت‌های اجتماعی مشارکت و حضور داشته باشند	دختران	۸۱,۴	۵,۷	۱۲,۹	-	۱,۳۰۶
	مادران	۷۶,۵	۸,۸	۱۴,۷		
	کل	۷۹	۷,۲	۱۳,۸		
فعالیت اجتماعی زن در بیرون از خانه به اندازه رسالت مادری او اهمیت دارد	دختران	۵۳,۶	۱۵,۷	۳۰,۷	-	۱,۲۲
	مادران	۵۲,۲	۲۰,۶	۲۷,۲		
	کل	۵۲,۹	۱۸,۱	۲۹		

جدول فوق به بررسی تفاوت نگرش مادران و دختران به مشارکت اجتماعی زنان اختصاص دارد. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، با وجود اختلافات موجود در درصدهای مربوط به مادران و دختران، این تفاوت‌ها به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشند.

جدول شماره ۳- تفاوت نظرات پاسخگویان در چگونگی گذران اوقات فراغت

t	سطح معنی داری	مخالف	تا اندازه ای موافق	موافق	نسل ها	گویه ها
-۲,۵۸۴	۰,۰۰۸	۳۶,۷	۱۸	۴۵,۳	دختران	زن باید اوقات فراغت خود را با خانواده و در کنار آنان سپری کند
		۲۶,۹	۹,۷	۶۳,۴	مادران	
		۳۱,۹	۱۳,۹	۵۴,۲	کل	
-۱,۳۲۰	۰,۰۴۴	۴۸,۶	۲۴,۳	۲۷,۱	دختران	گذران اوقات فراغت در جمع دوستان مورد علاقه ترین شیوه گذران اوقات فراغت برای زنان است
		۴۶,۳	۱۴,۷	۳۹	مادران	
		۴۷,۵	۱۹,۶	۳۳	کل	
-۴,۸۹	۰,۰۰۰	۵۵	۲۰,۷	۲۴,۳	دختران	فعالیت های هنری مثل خیاطی و گلسازی و... برای اوقات فراغت زنان مناسب ترین فعالیت است
		۳۲,۴	۱۴,۷	۵۲,۹	مادران	
		۴۳,۸	۱۷,۸	۳۸,۴	کل	
۰,۲۲۸	-	۹,۳	۶,۴	۸۴,۳	دختران	زنان باید خود برای اوقات فراغتشان خود تصمیم بگیرند
		۱۱,۸	۳,۷	۸۴,۶	مادران	
		۱۰,۵	۵,۱	۸۴,۴	کل	

در ارتباط با چگونگی گذران اوقات فراغت در بین گویه های مطرح شده، تفاوت های معناداری میان دو گروه مادران و دختران مشاهده می شود. بیشتر مادران معتقدند که زن باید اوقات فراغت خود را با خانواده و در کنار آنان سپری کند و فعالیت های هنری مثل خیاطی و گلسازی را برای زنان مناسب ترین فعالیت می دانند، در مقابل دختران مخالفت بیشتری با این دو گویه نشان داده اند. در مورد گویه گذران اوقات فراغت در جمع دوستان مورد علاقه ترین شیوه گذران اوقات فراغت برای زنان است نیز، با وجود مخالفت دو گروه با این گویه، دختران موافقت کمتری ابراز نموده اند. درباره تصمیم گیری شخصی زنان برای اوقات فراغت خود، هر دو گروه مادران و دختران به یک میزان به این گویه معتقدند که زنان درباره اوقات فراغت خود تصمیم بگیرند.

جدول شماره ۴- تفاوت نگرش پاسخگویان به تحصیلات

ت	سطح معنی داری	مخالف	تا اندازه ای موافق	موافق	نسل ها	گویه ها
-۲,۰۳۵	۰,۰۴۳	۴۶,۹	۱۲,۱	۴۱	دختران	مردان در رشته ها و کارهای فنی و مهندسی موفق تر از زنان هستند
		۳۳,۱	۸,۸	۵۸,۱	مادران	
		۴۰	۱۰,۵	۵۱,۴	کل	
-۱,۰۱۹	-	۹۱,۴	۰,۷	۷,۹	دختران	زنان به اندازه مردان توانایی کسب دانش و موفقیت در علم آموزی ندارند
		۸۷,۴	۱,۵	۱۱,۱	مادران	
		۸۹,۵	۱,۱	۹,۵	کل	
-۶,۰۲۸	۰,۰۰۰	۶۹,۳	۱۲,۱	۱۸,۶	دختران	رشته هایی برای زنان مناسب است که در ادامه نقش مادری آنها باشد و به درد زندگیشان بخورد
		۳۹	۹,۶	۵۱,۵	مادران	
		۵۴,۳	۱۰,۹	۳۴,۸	کل	
۱,۰۴۸	-	۱,۴	۲,۹	۹۵,۷	دختران	تحصیلات دانشگاهی همان قدر که برای مردان مفید و ضروری است، برای زنان نیز لازم و مفید است
		۴,۴	۱,۵	۹۴,۱	مادران	
		۲,۹	۲,۲	۹۴,۹	کل	
-۳,۲۴۱	۰,۰۰۱	۶۶,۴	۱۷,۹	۱۵,۷	دختران	تحصیلات مرد در خانواده باید بیش از تحصیلات زن باشد
		۵۳,۷	۱۰,۳	۳۶	مادران	
		۶۰,۱	۱۴,۱	۲۵,۶	کل	

در زمینه تحصیلات، نتایج حاصله نشان می دهد مادران، مردان را در رشته ها و کارهای فنی و مهندسی موفق تر از زنان می دانند؛ معتقدند که رشته هایی برای زنان مناسب است که در ادامه نقش مادری آنان باشد و به درد زندگی خانوادگی بخورد. همچنین معتقدند که تحصیلات مرد در خانواده باید بیش از تحصیلات زن باشد، اما گروه دختران مقاومت های بیشتری درباره این گویه ها از خود نشان داده اند، در نتیجه تفاوت های بین دو گروه معنادار می باشد. در مورد سایر گویه ها تفاوت معنادار نیست.

جدول شماره ۵- تفاوت نظر پاسخگویان پیرامون تمایز نقشهای اجتماعی

t	سطح معنی داری	زنانه	خشی	مردانه	نسلها	گویهها
۰,۳۷۴	-	۲,۲	۴۹,۶	۴۸,۲	دختران	رانندگی
		۳,۸	۴۸,۹	۴۱,۳	مادران	
		۳	۴۹,۳	۴۷,۸	کل	
۱,۵۷	-	۷۴,۱	۲۳	۲,۹	دختران	پرستاری
		۶۴,۱	۳۲,۸	۳,۱	مادران	
		۶۹,۳	۲۷,۸	۳	کل	
-۰,۶۲۴	-	۳,۶	۳۶	۶۰,۴	دختران	قضاوت
		۳,۱	۳۲,۸	۶۴,۱	مادران	
		۳,۳	۳۴,۴	۶۲,۲	کل	
-۱,۳۷۵	-	۲,۹	۵۵,۴	۴۱,۷	دختران	مهندسی
		۳,۱	۴۵,۸	۵۱,۱	مادران	
		۳	۵۰,۷	۴۶,۳	کل	
۱,۲۰۲	-	۵	۷۹,۹	۱۵,۱	دختران	پزشکی
		۸,۴	۷۸,۶	۱۳	مادران	
		۶,۷	۷۹,۳	۱۴,۱	کل	
۰,۶۵۸	-	۲۷,۳	۵۷,۶	۱۵,۱	دختران	کارمند دفتری
		۳۳,۶	۵۰,۴	۱۶	مادران	
		۳۰,۴	۵۴,۱	۱۵,۶	کل	
-۱,۶۶	-	۱۰,۱	۷۸,۴	۱۱,۵	دختران	استادی دانشگاه
		۸,۴	۷۱,۸	۱۹,۸	مادران	
		۹,۳	۷۵,۲	۱۵,۶	کل	
-۰,۴۶۶	-	۶۱,۲	۳۳,۸	۵	دختران	مشتری و ماشین نویس
		۵۹,۵	۳۳,۶	۶,۹	مادران	
		۶۰,۴	۳۳,۷	۵,۹	کل	

درصد‌های حاصل شده در جدول شماره ۴، نشان می‌دهد که تفاوت کلی و عمیقی میان تمایز نقش‌های اجتماعی از دیدگاه مادران و دختران وجود ندارد، بدین معنی که رانندگی با ۴۹,۳ درصد شغلی عاری از زنانگی و مردانگی معرفی شده و پرستاری با ۶۹,۳ درصد شغلی زنانه و قضاوت با ۶۲,۲ درصد نقشی مردانه، مهندسی و پزشکی و کارمند دفتری و استادی دانشگاه به ترتیب با ۵۰,۷ درصد، ۷۹,۳ درصد، ۵۴,۱ درصد و ۷۵,۲ درصد به عنوان نقش‌های اجتماعی که هر دو جنس قابلیت ایفای آن را دارند، مطرح شده و در نهایت منشی‌گری و ماشین‌نویسی با ۵۹,۵ درصد به عنوان نقشی زنانه از سوی پاسخگویان معرفی گشته است.

ب- بررسی تفاوت میان عقاید و باورهای مادران و دختران پیرامون حوزه‌های خانوادگی

برای سنجش نگرش مادران و دختران به هویت جنسیتی خویش در بعد عقاید و باورها و در سطح خانواده، ۲۴ گویه با استفاده از طیف لیکرت طراحی گردیده که تست اولیه و محاسبه آلفای کرونباخ جهت سنجش روایی سنجش‌های طراحی شده برابر با ۰/۸۵ بوده است که نشان از روایی و اعتبار بالای سؤالات مورد نظر است. درباره توقعات و انتظارات موجود از زن در خانواده، مادران بیش از دختران پایبند به توقعات سنتی موجود از زن می‌باشند، بدین صورت که مادران با گویه‌هایی همچون، انجام کارهای خانه و رسیدگی به امور داخلی خانه به‌طور مداوم؛ تأمین کلیه نیازهای همسر و موافقت با خواسته‌های وی؛ تنظیم تعاملات فرزندان با خارج از خانه؛ گذران اوقات فراغت با خانواده موافقت بیشتری نسبت به دختران دارند. تفاوت موجود بین مادران و دختران به لحاظ آماری تفاوت معناداری می‌باشد. در ارتباط با انتظاراتی همچون مشورت و همفکری با همسر در کلیه امور داخلی و خارجی خانه؛ ابراز علاقه و محبت فراوان به همسر و فرزندان؛ مشارکت با همسر در حل مشکلات زندگی اعم از مالی و اجتماعی و مراقبت از فرزندان تفاوتی میان عقاید مادران و دختران وجود ندارد.

جدول شماره ۶- تفاوت نگرش پاسخگویان به توقعات و انتظارات از زن در خانواده

کای اسکور	سطح معنی داری	مخالف	تا اندازه ای	موافق	نسل ها	گویه ها
۱,۳۹۸	-	۳۵	۹,۳	۵۵,۷	دختران	مراقبت از فرزندان در همه حال
		۳۱,۱	۶,۷	۶۲,۲	مادران	
		۳۳,۰۵	۸	۵۸,۹۵	کل	
۷,۰۸۰	۰,۰۲۹	۶۱,۴	۵	۳۳,۹	دختران	انجام کارهای خانگی و رسیدگی به امر داخلی خانه به طور مداوم
		۴۶,۳	۴,۴	۴۹,۳	مادران	
		۵۳,۸۵	۴,۷	۴۱,۶	کل	
۰,۷۲۴	-	۳,۶	۲,۱	۹۴,۳	دختران	مشورت و همفکری با همسر در کلیه امور داخلی و خارجی خانه
		۴,۴	۳,۷	۹۱,۹	مادران	
		۴	۲,۹	۹۳,۱	کل	
۱,۴۶۱	-	۱۲	۱۰,۷	۷۷,۱	دختران	ابراز محبت و علاقه فراوان به همسر و فرزندان
		۱۲,۵	۶,۶	۸۰,۹	مادران	
		۱۲,۲۵	۸,۶۵	۷۹	کل	
۷,۷۰۱	۰,۰۲۱	۵۴,۳	۱۲,۹	۳۲,۹	دختران	تأمین کلیه نیازهای همسر و موافقت با خواسته های وی
		۳۹,۳	۱۱,۹	۴۸,۹	مادران	
		۴۶,۸	۱۲,۴	۴۰,۹	کل	
۱,۱۵۱	-	۲,۱	۲,۹	۹۵	دختران	مشارکت با همسر در حل مشکلات زندگی اعم از مالی و اجتماعی
		۳,۹	۵,۱	۹۱,۹	مادران	
		۲,۵	۴	۹۳,۴۵	کل	
۵,۳۶۰	۰,۰۵۶	۶,۴	۱۳,۶	۸۰	دختران	تنظیم روابط و تعاملات با خارج از خانواده و فرزندان
		۱۳,۸	۱۴,۹	۷۱,۳	مادران	
		۱۰,۱	۱۴,۲۵	۷۵,۶۵	کل	
۹,۵۵۸	۰,۰۰۸	۳۶,۷	۱۸	۴۵,۳	دختران	گذران اوقات فراغت در کنار خانواده
		۳۱,۹	۹,۷	۶۳,۴	مادران	
		۳۱,۸	۱۳,۸۵	۵۴,۳۵	کل	

جدول شماره ۷- تفاوت پاسخگویان در نگرش به وظایف خانوادگی

کای اسکوتر	سطح معنی داری	مخالف	تا اندازه ای موافق	موافق	نسل ها	گروه ها
۵,۵۸۵	-	۱۷,۹	۵,۷	۶۷,۴	دختران	وظیفه اصلی مردان تأمین نیازهای خانواده است
		۱۶,۹	۰,۷	۸۲,۴	مادران	
		۱۷,۴	۳,۲	۷۴,۹	کل	
۲۱,۵۹۴	۰,۰۰۰	۴۰	۷,۹	۵۲,۱	دختران	وظیفه اصلی زن خانه داری و تربیت فرزندان است
		۲۰,۶	۱۵	۷۷,۹	مادران	
		۳۰,۳	۴,۷	۶۵	کل	
۶,۸۸۹	۰,۰۳۲	۴۴,۳	۲۰,۷	۳۵	دختران	کارهایی مثل خرید و مدیریت مالی در خانواده از وظایف شوهر و مرد خانواده است
		۳۶,۸	۱۳,۲	۵۰	مادران	
		۴۴,۲	۱۶,۹	۴۲,۵	کل	
۲,۷۰۶	-	۴۳,۶	۱۳,۶	۴۲,۹	دختران	زن و شوهر به یک اندازه در تأمین مخارج زندگی و کسب درآمد مسئول می باشند
		۵۰,۷	۸,۱	۴۱,۲	مادران	
		۴۷,۱	۸۰,۸	۴۲	کل	
۵,۵۵۴	۰,۰۵۲	۶۵,۷	۱۲,۱	۲۲,۱	دختران	برقراری آرامش درون خانواده وظیفه اصلی زن است
		۷۳,۵	۴,۴	۲۲,۱	مادران	
		۶۹,۶	۸,۲۵	۲۲,۱	کل	
۸,۱۲۲	۰,۰۱۷	۶۹,۳	۱۸,۶	۱۲,۱	دختران	تنظیم روابط و تعاملات با خارج از خانواده و تصمیم گیری درباره ارتباطات بر عهده مردان می باشد
		۶۱,۵	۱۳,۳	۲۵,۲	مادران	
		۶۲,۴	۱۰,۹۲	۱۸,۶	کل	
۲۲,۸۱۴	۰,۰۰۰	۶۶,۴	۱۷,۱	۱۶,۴	دختران	انجام کارهای داخل خانه بر عهده زن و کلیه کارهای خارج از خانه بر عهده مرد می باشد
		۵۲,۶	۶,۷	۴۰,۷	مادران	
		۵۹,۵	۱۱,۹	۲۸,۲	کل	

جدول شماره ۸۵ - تفاوت نگرش پاسخگویان نسبت به کلیشه‌های فرهنگی

کای اسکور	سطح معنی‌داری	مخالف	تا اندازه‌ای موافق	موافق	نسل‌ها	گویه‌ها
۳۲,۱۵۸	۰,۰۰۰	۶۷,۹	۱۷,۹	۱۴,۳	دختران	زن تا نزاید دلبر است و چون زاید مادر
		۴۰,۷	۱۴,۱	۴۵,۲	مادران	
		۵۴,۳	۱۶	۲۹,۷۵	کل	
۳,۹۰۶	-	۸۵,۷	۲,۹	۱۱,۴	دختران	در خانه حرف آخر را باید مرد بزند
		۷۶,۵	۵,۱	۱۸,۴	مادران	
		۸۱,۱	۴	۱۴,۹	کل	
۱۰,۵۹۸	-	۳۷,۹	۱۵,۷	۴۶,۴	دختران	مرد سایه سر زن خود است
		۲۶,۵	۸,۱	۶۵,۴	مادران	
		۳۲,۲	۱۱,۹	۵۵,۹	کل	
۱۳,۴۴۴	۰,۰۰۵	۲۶,۴	۷,۹	۶۵,۷	دختران	رعایت اصول اخلاقی برای زنان مهم‌تر از مردان است
		۴۷,۱	۸۱	۴۴,۹	مادران	
		۳۶,۷	۸	۵۵,۳	کل	
۸,۸۷۳	۰,۰۱۲	۶۲,۱	۱۳,۶	۲۴,۳	دختران	مردان دارای عقل بیشتر و زنان دارای احساس بیشتری هستند
		۵۱,۵	۸,۱	۴۰,۴	مادران	
		۵۶,۸	۱۰,۸	۳۲,۳	کل	
۱۴,۸۹۳	۰,۰۰۱	۶۶,۴	۵	۲۸,۶	دختران	داشتن رابطه با جنس مخالف پیش از ازدواج برای زن بسیار زشت‌تر از مردان است
		۴۳,۴	۷,۴	۴۹,۳	مادران	
		۵۴,۹	۶,۲	۳۸,۹	کل	
۱,۳۶۱	-	۷۸,۹	۱۰,۷	۱۰,۷	دختران	هیچ‌جا زن نباید رئیس و بالادست مردان قرار بگیرد
		۷۲,۸	۱۲,۵	۱۴,۷	مادران	
		۷۵,۸	۱۱,۲	۱۲,۷	کل	
۱۱,۶۹۷	۰,۰۰۳	۷۴,۳	۱۵	۱۰,۷	دختران	زن باید در کلیه شرایط سنگ زیرین آسیا باشد
		۶۳,۲	۱۰,۳	۲۶,۵	مادران	
		۵۵,۲	۱۲,۶	۱۸,۶	کل	

نتایج به دست آمده حاکی از آن است که تفاوت‌های بین مادران و دختران در حوزه وظایف خانوادگی زن و مرد می‌توان مشاهده نمود، بدین صورت که مادران وظیفه اصلی زن را در خانواده بچه‌داری و خانه‌داری، برقراری آرامش درون خانواده می‌دانند و تأمین نیازهای مالی خانواده، کارهایی مثل خرید و مدیریت مالی، تنظیم روابط و تعاملات با خارج از خانواده و تصمیم‌گیری درباره ارتباطات را وظیفه مرد می‌دانند و به طور کلی انجام کارهای داخل خانه را برعهده زن و کلیه کارهای خارج از خانه را برعهده مرد می‌دانند. به عبارتی قائل به نوعی تقسیم کار جنسیتی سنتی در درون خانواده هستند. اما دختران مخالفت بیشتری با این نوع تقسیم کار در خانواده نشان داده‌اند و در واقع به نوعی برابری در انجام وظایف خانگی قائلند. در اکثر گویه‌ها تفاوت بین مادران و دختران معنادار می‌باشد.

در ارتباط با کلیشه‌های فرهنگی نیز پابندی بیشتری در بین مادران دیده می‌شود و در اکثر گویه‌ها تفاوت معنادار بین دو گروه وجود دارد.

ج- بررسی تفاوت میان عقاید و باورهای مادران و دختران پیرامون حوزه‌های فردی

در سطح فردی بعد عقاید و باورهای زنان در ارتباط با نگرششان به هویت جنسیتی، ۷ گویه برای سنجش الگوی مدنظر زنان از زن ایده‌آل با استفاده از طیف لیکرت طراحی شده است و با یک سؤال باز نیز از پاسخگو خواسته شده که مفهوم زن بودن در جامعه ایران را تعریف کند.

مقایسه نظرات مادران و دختران حاکی از آن است که تفاوت معناداری درباره معیارها و ملاک‌های یک زن نمونه وجود ندارد. مهم‌ترین معیار برای یک زن نمونه از میان پنج گویه اول، موفقیت در تربیت فرزندان سالم و موفق است که هم در بین هم مادران و هم در بین دختران از اهمیت زیادی برخوردار است. در ارتباط با دو گویه آخر، می‌توان گفت که تفاوت معنی‌داری میان نظرات مادران و دختران نسبت به این دو گویه وجود دارد، بدین معنی که دختران برای حضور در فعالیت‌های اجتماعی و داشتن روابط عمومی قوی اهمیت بیشتری قائلند و در مورد گویه آخر، مادران نسبت به این گویه اهمیت و توافق بیشتری ابراز نموده‌اند.

جدول شماره ۹- آزمون تفاوت در پاسخگویان در معیارهای یک زن نمونه و ایده آل

کای اسکور	سطح معنی داری	مخالف	تا اندازه ای موافق	موافق	نسل ها	گروه ها
۰,۶۵۳	-	۰,۷	۱۳,۶	۸۵,۷	دختران	زنی که دارای استقلال فکری و مالی باشد
		۱,۵	۱۵,۷	۸۲,۸	مادران	
		۱,۱	۱۴,۶	۸۳,۳	کل	
۴,۰۷۸	-	۱,۴	۱,۴	۹۷,۱	دختران	زنی که در تربیت فرزندان سالم و موفق، موفق باشد
		۰	۴,۴	۹۵,۶	مادران	
		۰,۷	۲,۹	۹۶,۴	کل	
۰,۰۱۷	-	۸,۶	۴۲,۱	۴۹,۳	دختران	زنی که در کسب مقام و منصب اجتماعی بالا و مهم موفق باشد
		۸,۸	۴۲,۶	۴۸,۵	مادران	
		۸,۷	۴۲,۴	۴۸,۹	کل	
۲,۱	-	۰	۵,۷	۹۴,۳	دختران	زنی که همراه و همفکر همسر خود باشد
		۱,۵	۵,۹	۹۲,۶	مادران	
		۰,۷	۵,۸	۹۳,۵	کل	
۲,۸۵۵	-	۲,۱	۲۰	۷۷,۹	دختران	زنی که از نظر ظاهری در همه حال زیبا و آراسته باشد
		۰,۷	۲۷,۴	۷۱,۹	مادران	
		۱,۵	۲۳,۶	۷۴,۹	کل	
۹,۴۵۸	۰,۰۰۹	۲,۹	۱۴,۳	۸۲,۹	دختران	زنی که در فعالیت های اجتماعی حضور داشته و همچنین روابط عمومی قوی داشته باشد
		۶,۶	۲۶,۵	۶۶,۹	مادران	
		۴,۷	۲۰,۳	۷۵	کل	
۲۰,۲۵۸	۰,۰۰۰	۲۰,۷	۴۶,۴	۳۲,۹	دختران	زنی که در همه حال خواسته های خانواده را بر نیازهای خود ترجیح دهد
		۱۰,۳	۳۰,۱	۵۹,۶	مادران	
		۱۵,۶	۳۸,۴	۴۶	کل	

جدول زیر نتیجه آزمون تفاوت میان این دو گروه را نشان می دهد.
 - بین نگرش مادران و دختران به هویت جنسیتی خویش تفاوت وجود دارد.
 برای سنجش تفاوت این دو گروه از آزمون آماری کای اسکوئر استفاده کرده ایم. جدول زیر حاوی نتایج آزمون انجام گرفته می باشد.

جدول شماره ۱۰- آزمون تفاوت میان دو گروه در نگرش

نگرش به هویت جنسیتی	متغیر وابسته
	متغیر مستقل
Chi-square = 29.223 Sig = 0.000 N = ۲۷۱	دو گروه مادران و دختران

آمارهای جدول فوق نشان می دهد که تفاوت معناداری میان مادر بودن و دختر بودن با نگرش به هویت جنسیتی وجود دارد. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می توان گفت که بین دو گروه مادران و دختران از لحاظ نگرش به هویت جنسیتی خویش تفاوت وجود دارد.

در این بخش به مقایسه میان این دو گروه بر حسب سستی بودن و مدرن بودن اقدام کردیم.

جدول شماره ۱۱- توزیع فراوانی مادران بر حسب نگرش آنان به هویت جنسیتی شان

نگرش به هویت جنسیتی	فراوانی	درصد
کاملاً مدرن	۶	۴,۴
مدرن	۱۴	۱۰,۳
بینابینی	۵۲	۳۸,۲
سستی	۴۹	۳۶
کاملاً سستی	۱۵	۱۱
جمع	۱۳۶	۱۰۰

نگرش به هویت جنسیتی که در واقع متغیر اصلی پژوهش می‌باشد، از تلفیق گویه‌های طراحی شده در این ارتباط به دست آمده است. جدول فوق اشاره به توزیع فراوانی مادران بر حسب نگرششان به هویت جنسیت خود می‌باشد. بیشترین درصد (۳۸,۲) گروه مادران به لحاظ نگرشی دارای نگرشی بینابین سنت و مدرن به هویت جنسیتی خود هستند. ۳۶ درصد مادران و ۱۱ درصد مادران به ترتیب نگرشی سنتی و کاملاً سنتی به هویت جنسیتی دارند. ۱۴,۷ درصد مادران نیز در مجموع هویت جنسیتی خود را با نگاهی سنتی و کاملاً سنتی تعریف می‌کنند.

جدول شماره ۱۲- توزیع فراوانی دختران بر حسب نگرش آنان به هویت جنسیتی شان

نگرش به هویت جنسیتی	فراوانی	درصد
کاملاً مدرن	۸	۴,۲
مدرن	۳۲	۲۳,۸
بینابینی	۷۱	۵۰,۷
سنتی	۲۴	۱۹,۵
کاملاً سنتی	۵	۳
جمع	۱۴۰	۱۰۰

جدول فوق اشاره به توزیع فراوانی دختران بر حسب نگرششان به هویت جنسیت خود اشاره دارد. بیش از نیمی (۵۰,۷ درصد) از گروه دختران نگرشی بینابین سنت و مدرن به هویت جنسیتی خود دارند. ۱۹,۵ درصد و ۳ درصد دختران به ترتیب نگرشی سنتی و کاملاً سنتی به هویت جنسیتی دارند. ۲۳,۸ درصد نیز دارای نگرشی مدرن به هویت جنسیتی خود هستند و فقط ۳ درصد دارای نگرشی کاملاً مدرن به هویت جنسیتی می‌باشند. با مقایسه درصدهای مربوط به هر یک از این دو گروه، معلوم می‌شود که با وجود این که در هر دو گروه بیشترین درصد افراد در بینابین هویت سنتی و مدرن قرار دارند، اما مادران گرایش بیشتری به هویت سنتی و دختران نگرش مدرن تری به هویت جنسیتی خویش دارند. در این جا به بررسی رابطه بین تحصیلات مادران و نگرش به هویت جنسیتی.

- بین نگرش مادران به هویت جنسیتی خود و میزان تحصیلات آنان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱۳- آزمون رابطه بین تحصیلات مادران و نگرش به هویت

متغیر وابسته	متغیر مستقل
نگرش به هویت جنسیتی	میزان تحصیلات مادران
$r = -0.213$ $sig = 0.014$ $N = 132$	

جدول فوق نشان می‌دهد که همبستگی معناداری میان نگرش مادران به هویت جنسیتی خود و میزان تحصیلات آنان وجود دارد (باتوجه به این که هر دو متغیر در سطح فاصله‌ای سنجیده شده‌اند، از ضریب همبستگی پیرسون برای سنجش رابطه دو متغیر استفاده نموده‌ایم)، بدین معنی که با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که با تغییر میزان تحصیلات مادران، نگرش آنان به هویت جنسیتی شان نیز تغییر خواهد یافت. هرچه میزان تحصیلات مادران پایین‌تر باشد، نگرش سستی‌تری به هویت جنسیتی خود دارند و با تغییر میزان تحصیلات آنان گرایششان به نگرش مدرن به هویت جنسیتی خویش بیشتر خواهد شد.

- بین نگرش دختران به هویت جنسیتی خود و وضعیت تاهل آنان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱۴- آزمون معناداری میان تاهل دختران و نگرش

متغیر وابسته	متغیر مستقل
نگرش به هویت جنسیتی	وضعیت تاهل دختران
$\chi^2 = 16.973$ $Sig = 0.002$ $N = 140$	

نتیجه آزمون آماری انجام شده نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان وضعیت تأهل و نگرش به هویت جنسیتی در بین گروه دختران وجود دارد، بدین معنی که وضعیت تأهل افراد بر روی نگرش آنان به هویت جنسیتی خود اثر گذار است و مقایسه درصدها نشان می‌دهد که دختران متأهل نگرش سنتی تری به هویت جنسیتی خود دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری نهایی در این تحقیق در جهت پرسش‌های مطرح شده در آغاز مقاله، آن است که موضوع اختلاف نسلی، پدیده پیچیده‌ای است و میزان آن درباره موضوعات مختلف فرق می‌کند. به اعتقاد گیدنز هر نسل گروهی از آدمیان است که در مقطعی از انتقالات فرهنگی جای می‌گیرند. از آنجا که به قول گیدنز از ویژگی‌های جامعه مدرن، فراربودن و تغییر و تحول سریع ارزش‌هاست و هر نسلی که مقطعی از زمان را درک کرده، ارزش‌ها و علایق مشترکی دارد که با سیر تحولات سریع جامعه مدرن همپوشی و تداخل ایجاد می‌کند. به اعتقاد گیدنز شدت تغییرات اجتماعی به حدی است که نسل‌های انسانی را در نهایت با خود همراه می‌کند و تفاوت‌های اجتماعی میان گروه‌های مختلف جامعه که از مشخصه‌های جامعه مدرن با ورود عامل زمان که در تشکیل نسل‌ها مؤثر است، تشدید می‌شود. نتایج به‌دست آمده از این تحقیق نیز دیدگاه نظری گیدنز در این مورد را تأیید می‌کند. و هم‌چنین بر حسب نظر بوردیو و مانهایم نیز زمان، تنها عامل اختلاف بین این دو نسل است و چنان‌چه دگرگونی شدید باشد، تفاوت بین دو نسل تشدید می‌شود، که این هم تأیید می‌گردد. در مورد نظر اینگلهارت هم نمی‌توان گفت که نسل جدید بیشتر فرامادی هستند. آن‌چه در این تحقیق نشان داده شد، می‌توان گفت که اختلافاتی در زمینه عقاید و باورها در حوزه خانوادگی میان دختران و مادران وجود دارد که براساس محاسبات آماری صورت گرفته، این تفاوت در برخی موارد مثل توقعات و انتظارات از زن در خانواده و در مورد برخی کلیشه‌های فرهنگی تفاوت معناداری می‌باشد. هم‌چنین در حوزه اجتماعی تفاوت معنادار در نوع شغل برای زنان، حضور اجتماعی در کنار داشتن خانواده، نحوه گذران اوقات فراغت، تحصیل در رشته‌های فنی مهندسی، تحصیل در رشته‌های خاص برای زنان و لزوم بالاتر بودن تحصیلات مرد در خانواده بین مادران و دختران وجود داشت. براساس یافته‌ها مادران بیشتر از دختران با گویه‌هایی که باورهای سنتی را بیان می‌کردند، موافقت کرده‌اند و دختران نظرات مدرن را در مورد

زنان بیشتر پذیرفته بودند، هر چند ایده آل‌ها به هم نزدیک بود. این نکته نیز جالب توجه بود که در بعضی باورها، چون زن ایده آل زنی است که بتواند به مقام و منصب بالای اجتماعی برسد و استقلال مالی داشته باشد، مادران و دختران مانند هم بودند. نکته قابل تأمل این که در آزمون معناداری رابطه بین اشتغال مادران و نگرش به هویت جنسیتی، همبستگی معنادار بود، یعنی با اشتغال مادران نگرش آنان مدرن‌تر می‌شد و با تأهل دختران نگرش دختران به هویت جنسیتی سستی‌تر می‌گردید.

بنابراین، تفاوت‌ها به گونه‌ای نیست که از گسست نسلی یا انقطاع نسلی بتوان سخن گفت؛ زیرا انقطاع نسلی به معنای گسست بدون رابطه بین دو نسل تعریف می‌شود. در صورت وجود گسست نسلی، ضرورتاً فروپاشی فرهنگی و اجتماعی صورت خواهد گرفت. از طرف دیگر، جامعه ایران به لحاظ ساختاری به گونه‌ای است که نسل‌ها از طریق خانواده و دین و دیگر نهادهای اجتماعی به یکدیگر وابسته شده‌اند و امکان انفکاک و انقطاع نسلی از بین رفته است. افزون بر رابطه از طریق سه نهاد یادشده، پذیرش فرهنگ مشترک و باور به سابقه و تجربیات واحد اجتماعی و تاریخی از عوامل پیوندزنده بین نسلی هستند.

همان‌طور که انتظار می‌رود، هسته اصلی فرهنگ ما یا اجزای اساسی آن، که نظام‌های ارزشی، اعتقادی، سنتی و هنجارهای اجتماعی - خانوادگی است و در عین پویایی دارای استحکام و پایداری لازم است و نمی‌تواند قائل به وجود شکاف نسلی در آن شد؛ شکاف در واقع به تفاوت‌های عمیق فرهنگی بین دو نسل اطلاق می‌شود. به نظر آنچه در این جا وجود دارد، اختلاف میان دو نسل است که به دنبال تغییرات اجتماعی و تحولات فرهنگی به وجود می‌آید، به همین دلیل در وهله اول شاید شکاف نسلی به نظر آید. اما شکاف نسلی به گونه‌ای دودسته‌ای شدن جامعه بر اساس سن افراد است و حال آن‌که ما در بین بزرگسالان نیز ارزش‌های رایج در بین جوانان را می‌بینیم. وجود اختلافات هنجاری طبیعی است و نگران‌کننده نمی‌باشد؛ چرا که اختلاف نسلی در بسیاری از هنجارها و یا اختلاف در عناصر محیطی و متغیر فرهنگ از ضروریات پویایی فرهنگ‌ها و تطبیق‌پذیری آنها با شرایط متغیر است.

نتایج این تحقیق با نظریات مطرح‌شده که عامل تفاوت را فاصله زمانی می‌دانند و به تفاوت نسلی معتقدند و نه به شکاف نسلی، همسو بوده و نظرات آنان تأیید می‌شود.

فهرست منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۳): **جامعه شناسی نسلی در ایران**، تهران، پژوهشکده علوم انسانی اجتماعی.
- اینگلهارت (۱۳۷۳): **تحولات فرهنگی در جامعه صنعتی**، ترجمه مریم وتر، تهران، کویر.
- اینگلهارت، رونالد و پل. آر. آبرامسون (۱۳۷۸): «امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی»، ترجمه شهناز شفیع خانی، **نامه پژوهش**، شماره ۱۴.
- اریکسون (۱۳۸۴): **روانشناسی اجتماعی**.
- بوردیو، پی یر (۱۳۸۰): **نظریه کنش دلایل عملی و انتخاب عقلانی**، ترجمه مرتضی مردیها، تهران، نقش و نگار، جلد اول.
- پناهی، محمد (۱۳۸۰): «مقایسه اولویتهای ارزشی جوانان و میانسالان»، **نامه علوم اجتماعی**.
- توکلی، مهناز (۱۳۷۸): «ارزش، مفاهیم و ابزارهای سنجش»، **نامه پژوهش**، شماره ۱۴، تهران، مرکز پژوهش های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- تیموری، کاوه (۱۳۸۰): «بررسی ارزش های پسران و پدران و بروز شکاف نسل ها»، **مجموعه مقالات جامعه و فرهنگ**، جلد سوم.
- جلیلووند، شیرین (۱۳۷۳): «بررسی و مقایسه نگرش مادران و دختران نسبت به ارزشهای اجتماعی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- شیخی، محمد تقی (۱۳۸۰): «عوامل مؤثر در تغییرات ارزشی - فرهنگی و فاصله نسل ها»، **مجموعه مقالات جامعه و فرهنگ**، جلد سوم.
- عبداللهیان، حمید (۱۳۸۲): «تغییرات فرهنگی و شکاف نسل ها در ایران»، **مجموعه مقالات گسست نسلی**، جهاد دانشگاهی.
- قبادی، خسرو (۱۳۸۲): **گسست پارادیمی بین نخبگان فکری ایران: گسست نسل ها**، تهیه و تنظیم علی اکبر علیخانی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸): **جهان رها شده**، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران، انتشارات علم و ادب.
- گیدنز آنتونی (۱۳۷۹): **تجدد و تشخیص**، ترجمه ناصر موققیان، تهران نشر نی.
- لاور، رابرت. اچ. (۱۳۷۳): **دیدگاههایی درباره دگرگونی های اجتماعی**، ترجمه کاووس سید امامی، تهران، نشر دانشگاهی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۴): **سنجش آگاهها و نگرش ها**، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

Michael kimmel (1997): "masculinity as homophobia" , in *toward a ew psychology of gender*, eds, mary gergen and sara divis.

Giddens A.(1991): *Modernity and self - identity: self and society in the late modern Age*. Cambrige, polity press.

schuman, howard and jacq ueline seott (1989): "generations and coll ective memories", *American sociological review* ,vol 54.

turner, B. (1995): *classical sociology*, London, cambridge

مشخصات نویسندگان

خدیجه سفیری دارای درجه دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه تربیت مدرس و دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا است. علائق پژوهشی او در زمینه خانواده و زنان است.

سیده عقیده محمدی کارشناس ارشد مطالعات زنان از دانشگاه الزهرا است.